

جایگاه دعا

آر. سی. اسپرول

هدف زندگی مسیحی چیست؟ خداپرستی که از اطاعت از مسیح به وجود آمده است. اطاعت، غنای تجربه مسیحی را آشکار می‌کند. دعا همان چیزی است که اطاعت را تشویق کرده و آن را پرورش می‌دهد و قلب را در «چارچوب ذهنی» مناسب برای میل به اطاعت قرار می‌دهد.

البته علم نیز مهم است زیرا بدون آن نمی‌توانیم اراده‌ی خداوند را بدانیم. با این حال، معرفت و حقیقت جدا شده و غیر عملی باقی خواهد ماند مگر اینکه در دعا با خدا ارتباط برقرار کنیم. این روح‌القدس است که کلام خدا را به ما تعلیم می‌دهد، الهام می‌بخشد و روشن می‌کند. او کلام خدا را واسطه می‌کند و به ما کمک می‌کند تا در دعا به پدر پاسخ دهیم.

دعا در زندگی مسیحیان جایگاهی حیاتی دارد. اولاً، شرط مطلق نجات است. برخی از مردم نمی‌توانند بشنوند، اگرچه ناشنوا هستند، اما می‌توانند نجات را دریافت کنند. برخی ممکن است نتوانند ببینند. اگرچه نابینا هستند، اما می‌توانند نجات را دریافت کنند. آگاهی از خبر خوش - نجات از طریق مرگ کفاره و رستائیز عیسی مسیح - از منابع مختلف حاصل خواهد شد، اما در تحلیل نهایی، شخص باید با فروتنی از خدا نجات را بطلبد. دعای نجات تنها دعای شخص گناه‌کار است که خداوند وعده داده که آنرا خواهد شنید.

آنهايي که در ملکوت هستند چه وجه اشتراکی دارند؟ چندین چیز. همه‌ی آنها عادل‌شمرده شده‌اند، زیرا به کفاره‌ی مسیح ایمان آورده‌اند. همه‌ی آنها در حال ستایش خدا هستند. و همه‌ی آنها برای نجات دعا کرده‌اند. بدون دعا بودن، در واقع بدون خدا، مسیح، روح‌القدس، امید و واقعیت ملکوت است.

دوم، یکی از مطمئن‌ترین نشانه‌های یک مسیحی، زندگی دعا گونه‌ی اوست. ممکن است کسی دعا کند و مسیحی نباشد، اما شخصی که مسیحی باشد و دعا نکند، مطمئناً نمی‌تواند مسیحی باشد. رومیان ۸: ۱۵ به ما می‌گوید که فرزندخواندگی روحانی که ما را پسران خدا کرده است باعث می‌شود که در عبارات کلامی فریاد بزنیم: «آبا! پدر.» دعا برای یک مسیحی، همانند نفس کشیدن برای زندگی است، با این حال، هیچ وظیفه‌ای برای یک مسیحی تا این حد نادیده گرفته نمی‌شود.

دعا، حداقل دعای خصوصی، سخت است که با انگیزه‌ای غلط انجام شود. ممکن است کسی مانند انبیای دروغین براساس انگیزه‌ای غلط موعظه کند، ممکن است شخصی با انگیزه‌های نادرست حتی در فعالیت‌های مسیحی شرکت کند. بسیاری از امور ظاهری دین ممکن است با انگیزه‌های نادرست انجام شود، اما بعید است که کسی با انگیزه‌ای غلط با خدا ارتباط برقرار کند. متی ۷ به ما می‌گوید که در «روز آخر»، بسیاری در داوری خواهند ایستاد و به مسیح از اعمال بزرگ و با شکوه خود که آنها را به نام او انجام داده‌اند خواهند گفت، اما پاسخ او این خواهد بود که او آنها را نمی‌شناسد.

بنابراین، ما دعوت شده‌ایم و به ما دستور داده شده است، تا دعا کنیم. دعا هم امتیاز است و هم تکلیف و هر فریضه‌ای می‌تواند سخت و دشوار باشد. دعا، مانند هر ابزاری که برای رشد یک مسیحی است، نیازمند انجام دادن است. به یک معنا، دعا کردن برای ما غیر طبیعی است. اگرچه ما برای هم‌نشینی و ارتباط با خدا آفریده شده‌ایم، اما تأثیرات سقوط بیشتر ما را نسبت به امر مهمی همچون دعا کردن، تنبل و بی‌اعتنا کرده است. تولد تازه، یک علاقه‌ی جدیدی را برای هم‌نشینی با خدا را در ما زنده می‌کند، اما گناه در برابر روح مقاومت می‌کند.

ما می‌توانیم با این موضوع آرامی بگیریم که خداوند از دل‌های ما آگاه است و خواسته‌های ناگفته‌مان را بیشتر از سخنانی که از لب‌هایمان بیرون می‌آید، می‌شنود. هرگاه قادر به بیان احساسات و عواطف عمیق روح خود نباشیم، و یا زمانی که در مورد چیزی باید دعا کنیم، ولی آن موضوع واضح نباشد، روح‌القدس برای ما شفاعت می‌کند. رومیان ۸: ۲۶-۲۷ می‌گوید:

و همچنین روح نیز ضعف ما را مدد می‌کند، زیرا که آنچه دعا کنیم به طوری که می‌باید نمی‌دانیم، لکن خود روح برای ما شفاعت می‌کند به ناله‌هایی که نمی‌شود بیان کرد. و او که تفحص‌کننده دل‌هاست، فکر روح را می‌داند زیرا که او برای مُقَدَّسین برحسب اراده‌ی خدا شفاعت می‌کند.

هنگامی که در یک شرایط خاص نمی‌دانیم چگونه دعا کنیم یا برای چه چیزی در یک موقعیت معین دعا کنیم، روح‌القدس به ما کمک می‌کند. از متن می‌توان فهمید که اگر ما به‌طور نادرستی دعا کنیم، روح‌القدس خطای دعا‌های ما را پیش از آنکه آنها را به حضور پدر بلند کند، تصحیح می‌کند، زیرا آیه ۲۷ به ما می‌گوید که او «برای مُقَدَّسین برحسب اراده‌ی خدا شفاعت می‌کند.»

دعا راز قدوسیت است - اگرچه قدوسیت چیزی پنهانی ندارد. اما اگر زندگی مقدسان بزرگ کلیسا را بررسی کنیم، در می‌یابیم که آنها اهل دعا بودند. جان ولسلی یک بار گفت که زیاد به خادمینی که حداقل چهار ساعت در روز را صرف دعا نمی‌کنند فکر نمی‌کند. لوثر نیز گفته بود که روزانه یک ساعت دعا می‌کند، به جز روزهایی که فوق‌العاده مشغول است؛ در آن روزها دو ساعت دعا می‌کند.

غفلت در دعا کردن، یکی از عوامل اصلی رکود در زندگی مسیحی است. مثال پطرس در لوقا ۲۲: ۳۹-۶۲ را در نظر داشته باشید. عیسی به کوه زیتون رفت تا طبق عادت همیشگی خود دعا کند و به شاگردانش گفت: «دعا کنید تا دچار وسوسه نشوید.» اما در عوض شاگردان به خواب رفتند. پطرس بعدا تلاش کرد که با شمشیر با ارتش روم مبارزه کند، و در نهایت مسیح را انکار کرد. پطرس دعا نکرد و به همین دلیل دچار وسوسه شد. آنچه در مورد پطرس صادق است در مورد همه‌ی ما نیز صادق است: ما قبل از اینکه در انظار عمومی سقوط کنیم، در خلوت خود سقوط می‌کنیم.

آیا زمان درست و یا اشتباهی برای دعا کردن وجود دارد؟ اشعیا ۴: ۵۰ از صبح به‌عنوان زمانی صحبت می‌کند که خداوند رغبت به دعا را در زندگی روزمره برای ما ایجاد می‌کند و درباره بازیابی اعتماد به خدا صحبت می‌کند. اما آیات دیگری وجود دارد که در تمام اوقات روز، زمان‌های دعا کردن را بیان می‌کند. هیچ بخشی از روز به‌عنوان بخشی مقدس‌تر از دیگر زمان‌ها جدا نمی‌شود. عیسی در صبح، در طول روز و گاهی هم در تمام طول شب دعا کرد. اما شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد او زمانی را برای دعا اختصاص داده بود. با این حال، با توجه به رابطه عیسی با پدر، ما می‌دانیم که ارتباط بین آنها هرگز متوقف نشد. اول تسالونیکیان ۵: ۱۷ به ما دستور می‌دهد که بی‌وقفه دعا کنیم. این بدان معناست که ما باید در یک حالت ارتباط مستمر و مداوم با پدرمان باشیم.

دکتر آر. سی. اسپرول، بنیانگذار خدمات لیگونیر، اولین کشیش جهت موعظه و تعلیم در کلیسای سنت اندرو در سنفورد ایالت فلوریدا و اولین رئیس دانشگاه الهیات ریفورمیشن بایبل کالج بود. ایشان نویسنده‌ی بیش از یک‌صد جلد کتاب، از جمله قدوسیت خدا بوده است.

این مقاله در وبسایت [لیگونیر](https://fa.ligonier.org) منتشر شده است.